

## گزارش ابوالعباس لوکری از فلسفه مشاء<sup>۱</sup>

### ۱. احوال و آثار لوکری

صدر المتألهین شیرازی در سفر سوم اسفار در بحث از علم خداوند، ابوالعباس لوکری را پس از فارابی، ابن سینا و بهمنیار از مشائین قائل به نظریه «ارتسام صور ممکنات در ذات خداوند به نحو حصول ذهنی بر وجه کلی» می‌شمارد.<sup>۲</sup>

لوگر از قرای نزدیک مرو بوده که به گزارش یاقوت حموی در اوائل قرن هفتم از آن ویرانه‌ای بیش نمانده بود.<sup>۳</sup> از بزرگان لوگر دو نفر قابل ذکرند: یکی ابوالحسن علی بن محمد غزوانی لوکری شاعر نیمه دوم قرن چهارم<sup>۴</sup> و دیگری ابوالعباس فضل بن

---

۱. آینه پژوهش، شماره ۳۲، خرداد-تیر ۱۳۷۲، صفحه ۴۹-۵۹. این مقاله به مناسبت انتشار کتاب «بیان الحق بضمآن الصدق»، العلم الالهی، ابوالعباس فضل بن محمد لوکری با تحقیق و مقدمه دکتر سیدابراهیم دیباجی (موسسه بین‌المللی اندیشه و تمدن اسلامی مالزی، ایستاک، تهران، ۱۳۷۳) به رشته تحریر در آمده است.

۲. صدر المتألهین، الاسفار الاربعه، السفر الثالث، الفصل الرابع، ج ۶، ص ۱۸۰ (بیروت، ۱۹۸۱ م).  
۳. یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابوعبدالله، معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۷۰ (بیروت ۱۳۷۴ ق). در عصر ما مردم افغانستان آن را لوگر (با گاف فارسی) تلفظ می‌کنند.

۴. لوکری مورد بحث عروضی سمرقندی در چهار مقاله (ص ۱۶۰، تحقیق معین) و عوفی در لباب الالیاب (ص ۸۰، تحقیق قزوینی) لوکری شاعر است نه لوکری حکیم. برای آشنایی با احوال و اشعار لوکری شاعر رجوع کنید به: صفا، ذبیح‌الله؛ تاریخ ادبیات ایران، ج ۱، ص ۴۱۲-۴۲۲ (تهران ۱۳۶۷).

محمد لوکری حکیم، ادیب منجم و ریاضیدان قرن پنجم هجری. هموست که بزرگترین شاگرد بهمنیار (م ۴۵۸) به حساب می‌آید و از طریق وی حکمت در خراسان منتشر شده است.<sup>۱</sup> سال تولد و وفاتش معلوم نیست. با يك واسطه شاگرد ابن سینا و با سه واسطه استاد خواجه نصیرالدین طوسی محسوب می‌شود. در زمان خود سرآمد عالمان بوده از معاصرینش حکیم عمر خیامی، ابن کوشک و میمون بن نجیب واسطی برتری داشته است.<sup>۲</sup> به فارسی و عربی شعر سروده و آثار فلسفی خود را نیز به عربی و فارسی نگاشته است. به داشتن حوزه علمی و تربیت شاگردان معروف است. مهمترین شاگردان وی عبارتند از محمد بن ابی طاهر طبسی مروزی (م ۵۳۹)، عبدالرزاق ترکی، شرف‌الدین محمد بن یوسف ایلاقی (م ۵۳۶)، ابوعلی حسن قطان مروزی (م ۵۴۸)، ابو الفتح اسعد بن محمد مهمنی (م ۵۲۰ یا ۵۲۷) افضل‌الدین غیلانی (عمر بن غیلان بلخی).<sup>۳</sup>

آثار ابو العباس لوکری عبارتند از: بیان الحق بضمان الصدق، قصیده اسرار الحکمة و شرح آن، فهرست تعلیقات و دیوان اشعار فارسی و عربی که از این دیوان جز چند بیت برجا نمانده است.<sup>۴</sup> ابیات به جا مانده وی در اتمام التتمة، مجالس المومنین و الذریعة قابل رویت است.<sup>۵</sup> مورد ذیل نمونه‌ای از شعر عربی وی است:

ویفردنی ظلماً غداة احتفالها	ویکثر حسادی علی المجد و العلی
و عن طیب ریّاهها و برد زلالها	فیز عجنی عن ارض مرو و روضها
و بدرة اهلها و عین رجالها	و لاذنب الا اننی فرد عقدها
و حد مواضیها زمان صیالها	و تاج نواصیها اذا تبرجت

۱. بیهقی، ظهیر الدین ابو الحسن علی؛ تتمه صوان الحکمة، و زیادات و حواشی تتمه، ص ۱۲۲ (لاهور، ۱۳۵۱ ق).

۲. بیهقی، اتمام التتمة، (تصویر شماره ۱۷۹۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران).

۳. ر. ک: به بیهقی، تتمه صوان الحکمة. صفحات ۱۶۱، ۱۲۷، ۱۱۷، ۱۲۲، ۷۴، ۱۲۵، ۱۵۵، ۱۳۶ و نیز شهرزوری، تاریخ الحکماء، ص ۸۰.

۴. نفیسی، سعید؛ تاریخ نظم و نثر در ایران تا پایان قرن دهم، ج ۱، ص ۵۵۵۴.

۵. بیهقی، اتمام التتمة (تصویر کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران)؛ شوشتری، قاضی نور الله، مجالس المومنین، المجلس السابع، ص ۲۲۹، تهرانی، شیخ آقا بزرگ، الذریعة فی تصانیف الشیعة، ج ۹، ص ۹۴۸.

وانی لنقاد الرحال اذا بدت      یبین لی اوضاعها من خلالها  
 فهذی ذنوبی لا یری الدهر عفوها      ولا تسمع الايام لی باحتمالها<sup>۱</sup>  
 فهرست تعلیقات وی هنوز منتشر نشده است، ولی در آغاز یکی از نسخ خطی آن  
 چنین آمده است:<sup>۲</sup>

«فهرست کتاب التعلیقات عن الشیخ الحکیم ابی نصر الفارابی و الشیخ الرئیس  
 ابی علی سیناروایة بهمینار» و در انتهای همین نسخه آمده است: «تولی عمل هذا الفهرست  
 الشیخ الامام الرئیس الحکیم الادیب وحید الزمان برهان الحق ابوالعباس الفضل بن محمد  
 اللوکری رحمة الله ورضی عنه فی شهر سنة ثلاث و خمائة.» از این فهرست، دو نسخه  
 دیگر نیز شناسایی شده است.<sup>۳</sup>

لوکری تمام تعلیقات را بررسی کرده، برای هر بند شماره‌ای به ترتیب  
 ابجدی قرار داده و آنها را در آغاز تعلیقات آورده، تا استخراج مطالب تعلیقات به  
 آسانی صورت گیرد. اینکه آیا این فهرست، تعلیقات فارابی و ابن سینار شامل می‌شود  
 یا صرفاً شامل تعلیقات ابن سیناست، مشخص نیست. هیچ یک از مصححین  
 تعلیقات فارابی و ابن سینا به رغم اشاره به فهرست یاد شده در مقدمه خود،<sup>۴</sup> به  
 انتشار آن اقدام ننموده‌اند. یافتن مطلب در کتاب پیراج تعلیقات ابن سینا هنوز بسیار دشوار  
 است.

قصیده اسرار الحکمة قصیده‌ای علمی است به زبان فارسی در پنج بخش:  
 منطق، طبیعیات، ریاضیات، الهیات و اخلاق. بخش منطق این قصیده این گونه آغاز  
 می‌شود:

آیا شنیده قیاس و شناخته برهان      گرفته یاد مقالات منطق یونان

۱. بیهقی، اتمام التتمه (تصویر کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران).

۲. نسخه شماره ۳۲۰۴ احمد ثالث، استانبول.

۳. نسخه شماره ۲۳۹۰ ایاصوفیا، تاریخ نسخه ۵۲۱؛ نسخه شماره ۳۸۱ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

۴. مقدمه تعلیقات الفارابی، د. جعفر آل یاسین، ص ۲۱، تهران ۱۳۷۱ ش، انتشارات حکمت (در اربع رسائل فلسفیه)  
 مقدمه تعلیقات ابن سینا، د. عبدالرحمن بدوی، ص ۸، قم ۱۴۰۴ ق.

سؤال دارم چندین جواب باید کرد      گر غوامض منطق، تور اشدست آسان<sup>۱</sup>  
 قبل از لوکری، خواجه ابوالهیثم احمد بن حسن جرجانی (اواخر قرن چهارم  
 و اوائل قرن پنجم) قصیده‌ای بلند در سؤال از مسائل فلسفی بر مذاق اسماعیلیان سروده  
 است:

یکی است صورت هر نوع را نیست گذار      چرا که هیئت هر صورتی بود بسیار  
 زهر چیست که جوهر یکی و نه عرض است      به ده نرفت و نه بر هشت کرد نیز قرار<sup>۲</sup>  
 لوکری خود به شرح قصیده اسرار الحکمة به زبان فارسی اقدام کرده است و نظم و  
 نثر لوکری نمونه‌ای از ادبیات قرن پنجم است. تنها کار مشابه قبل از وی، شرح قصیده  
 ابوهیثم توسط ابوسعید محمد بن سرخ نیشابوری (در اواخر قرن چهارم و اوائل قرن پنجم)  
 است.<sup>۳</sup> جامع الحکمتین ناصر خسرو قبادیانی (م ۴۸۱) نیز شرح دیگری است بر همین  
 قصیده ابوهیثم و کاری از قبیل شرح قصیده لوکری.<sup>۴</sup> به هر حال نظم و نثر فارسی لوکری  
 پس از قصیده ابوهیثم، شرح ابوسعید، دانشنامه علایی ابن سینا<sup>۵</sup> و کشف المحجوب  
 ابویعقوب سجستانی<sup>۶</sup> در زمره نخستین نگارشهای فلسفی به زبان فارسی به حساب می‌آید،  
 نه نخستین نمونه اثر منظوم فلسفی به فارسی.<sup>۷</sup>

۱. قریب، عبدالعظیم، مجله آموزش و پرورش، شماره ۸ و ۹، سال دهم، ۱۳۱۹
۲. قصیده ۸۸ بیتی خواجه ابوهیثم در ابتدای جامع الحکمتین ناصر خسرو قبادیانی، و شرح ابوسعید محمد بن سرخ نیشابوری (هر دو به تصحیح هانری کربن و محمد معین تهران ۱۳۳۲ و ۱۳۳۴ ش) و نیز جلد اول تاریخ ادبیات ایران ذبیح‌الله صفا، ص ۵۲۳-۵۳۱ آمده است.
۳. ابوسعید محمد بن سرخ نیشابوری، شرح قصیده ابوهیثم؛ به تصحیح هانری کربن با همکاری محمد معین، تهران ۱۳۳۴ ش.
۴. ناصر خسرو قبادیانی، جامع الحکمتین، تصحیح هانری کربن و محمد معین، تهران ۱۳۳۲.
۵. ابن سینا، دانشنامه علایی، منطق و الهیات، تصحیح احمد خراسانی، تهران ۱۳۱۵ ش.
- و نیز تهران ۱۳۳۱ ش، انجمن آثار ملی، منطق به تصحیح محمد معین و سید محمد مشکوة، الهیات به تصحیح محمد معین، طبیعیات به تصحیح سید محمد مشکوة، ریاضیات (تدوین ابوعبید جوزجانی از دیگر رسائل ابن سینا) تصحیح مجتبی مینوی.
۶. سجستانی، ابویعقوب اسحاق بن احمد؛ کشف المحجوب، تصحیح هانری کربن، تهران ۱۳۵۸ ش (چاپ دوم).
۷. یادکنر دیباجی در اینکه قصیده اسرار الحکمة نخستین منظومه منطقی و فلسفی فارسی باشد حداقل در بخش فلسفی آن نمی‌توان موافق بود. (منطق و مباحث الفاظ صفحه بیست و هفت، مقدمه مدخل منطق بیان الحق بضممان الصدق / ۷۶).

از قصیده اسرار الحکمة و شرح آن تنها بخش منطقش تصحیح و منتشر شده است.<sup>۱</sup>

## ۲. لوکری و بیان الحق

مهمترین اثر لوکری دایرة المعارف عقلی بیان الحق بضمان الصدق است. این کتاب مورد اعتنای فلاسفه بعد از وی بوده است.<sup>۲</sup> لوکری سبب تألیف این کتاب را چنین توضیح می‌دهد:

«من چون در کتب تألیف شده در علوم فلسفی تأمل کردم، بعضی را بیش از حد طولانی یافتم، آنچنانکه فهم متعلمین به کنه آن نرسد و بر ضبط و حفظش قوای حافظین توانایی نیابد و بعضی را نیز مختصر و لطیف که نکات اصول حکمی را در خود جمع آورده است، اما کتابی که بین دو طرف افراط و تفریط از اندازه و حجم، متوسط باشد و متضمن همه مطالب مورد احتیاج جوینده حق در علوم عقلی باشد، و او را بی‌نیاز از غیر آن کند و حجاج را به نهایت آن برساند، نیافتم لذا تمایل پیدا کردم تا کتابی به این صفت جمع آورم بر سبیل شرح و تلخیص با یکدیگر. از همه کتب فلسفی منسوب به شیخ الرئیس، حجة الحق ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینای بخاری - روح الله رمسه و قدس نفسه - و نیز کتب شیخ حکیم ابونصر فارابی - قدس الله روحه العزیز - و نیز از این کتب موجود متأخرین و متقدمین استخراج مطلب کردم گرچه نیازی به کتب ایشان بعد از کتب این دو بزرگ، به ویژه کتب شیخ الرئیس ابوعلی سینا - روح الله رمسه و قدس نفسه - نخواهد افتاد. پس نظرم بر این تعلق گرفت که ترتیب این کتاب را بر مسلك مشهور بنهم، یعنی منطق را بر سایر اجزای حکمت مقدم گردانم، چرا که آن وسیله رسیدن به حق است. سپس علم طبیعی و بعد از آن علم الهی را به موجزترین وجه ممکن بدون اخلال به اصلی از اصول ارائه نمایم، بلکه در آن مطالب دشوار را شرح کرده، نکات مخفی را تبیین نمایم و شبهات مورد اعتراض را در جای خود حل کنم. این کتاب را بیان الحق بضمان الصدق نامیدم. این اسم سازگار با مسمای خود

۱. منطق و مباحث الفاظ (مجموعه متون و مقالات تحقیقی) باهتمام مهدی محقق و توشی هیکوایزوتسو، تهران ۱۳۵۳، صفحه هفده ناسی و سه و صفحه ۱۰۷-۱۲۵ به تصحیح دکتر سید ابراهیم دیباجی.

۲. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۵۵۴، تهران ۱۳۶۲ ش.

است، زیرا غرض من در آن تبیین حق است، با صادقترین آرا و اقوال، این روش قانون من باشد در زمان حیاتم، هر زمان که اراده کردم به آن بازگردم و تذکره من پس از وفاتم گردد.

... این کتاب به سه کتاب بزرگ تقسیم می‌شود:

منطق، علم طبیعی و علم الهی. به علم ریاضی گروهی دیگر اقدام کرده و حق مطلب را ادا نموده‌اند. با این حال اگر خداوند اجلم را به تأخیر اندازد و مهلتم دهد، از ریاضیات نیز به قدر لازم به این کتاب خواهم افزود.<sup>۱</sup>

منطق بیان الحق در نه فن و ۳۸ مقاله و ۲۲۱ فصل، طبیعیات آن مشتمل بر هشت کتاب و ۱۰۵ فصل، و الهیات آن در سه قسمت سامان یافته است: علم کلی در هفت مقاله در ۴۱ فصل، علم ربوبی در سه مقاله در ۲۸ فصل و ملحقات آن در دو بخش، یکی در نکت و مسائل منتخبه از علم مابعدالطبیعة در چهار باب و ۴۲ فصل و دیگری در فصول منتخبه از علم اخلاق در پنج باب و ۵۹ فصل.

کلیه مطالب بیان الحق در درجه اول از آثار ابن سینا و بهمنیار و در درجه دوم از آثار فارابی استخراج شده است. اکثر قریب به اتفاق مطالب کتاب و حتی عناوین بیشتر فصول عیناً از منابع یاد شده نقل شده و تنها در موارد معدودی، جهت تلخیص یا ایجاد ارتباط بین عبارات منقول از منابع مختلف، جملاتی اضافه شده یا تغییر داده شده است. با توجه به گستردگی مطالب فلسفی و بیانات مختلف هر فیلسوف در آثار متعدد خود، کار گزینش بهترین و جامع ترین متن و یا تلخیص مطلب، به نحوی که کلیه نکات اصلی و امور مهم آن حفظ شود، محتاج احاطه کامل بر متون فلسفی و تسلط بر آنهاست. بیان الحق بهترین سند تسلط و احاطه تمام لوکری بر فلسفه مشائی است. او در هر زمینه بهترین متن را بر گزیده از ایجاز مخمل و اطناب ممل پر هیز کرده، حجم مطالب را همواره در حد متوسط حفظ کرده است.

منطق بیان الحق بضمن الصدق بر گرفته از منطق شفا، اشارات، نجات، حکمت المشرقیین و تحصیل است. طبیعیات آن بر گرفته از طبیعیات ارسطو به گزارش ابن سینا یعنی طبیعیات شفا و تحصیل می‌باشد. بخش علم کلی الهیات بیان الحق متخذ از الهیات شفا

۱. لوکری: بیان الحق بضمن الصدق، المنطق، المدخل؛ تصحیح ابراهیم دیباجی، تهران ۱۳۶۴، ص ۱۱۱-۱۱۲.

و مابعدالطبیعه تحصیل است. بخش علم ربوبی آن علاوه بر دو منبع یاد شده از المبدء و المعاد ابن سینا و الانصاف استخراج شده است. نکت و مسائل منتخبه از علم مابعدالطبیعه از تعلیقات ابن سینا و اثبات المفارقات فارابی استخراج شده، و بالاخره فصول منتخبه از علم اخلاق، به استثنای يك فصل نسبتاً مفصل عیناً از الفصول المنتزعه فارابی نقل شده است.

هدف لوکری از تدوین مجموعه بیان الحق، تنظیم يك متن تعلیمی فلسفی در سطح متوسط است و در این هدف توفیق یافته است. بیان الحق لوکری جهت تعلیم فلسفه مشاء در سطح متوسط مناسبتر از آثار فارابی، ابن سینا و بهمنیار است. چرا که حاوی همه نکات اصلی متون فلسفی ایشان است. بعلاوه از مطالب استطرادی و کم فائده نیز خالی است. لوکری تنها به تلخیص مطلب اکتفا نکرده بلکه گاهی يك فصل طولانی شفا یا تحصیل را در چند فصل و گاهی برعکس چند فصل آنها را در يك فصل بیان الحق گنجانیده است.<sup>۱</sup>

ترتیب کلی مطالب بیان الحق (منطق، طبیعیات، الهیات) شبیه ترتیب عیون الحکمه، اشارات و با حذف بخش ریاضیات شبیه ترتیب شفاست. مآخذ اصلی مطالب و حتی ترتیب فصول الهیات بیان الحق، الهیات شفاست. اما تقسیم الهیات بیان الحق به علم کلی و علم ربوبی و امدار نجات شیخ الرئيس و تا حدودی تحصیل بهمنیار است. الهیات نجات به دو مقاله تقسیم می شود. شیخ برای این دو مقاله عنوان خاصی انتخاب نکرده است، اما محتوای مقاله اول امور عامه یا علم کلی است و محتوای فصول مقاله دوم علم ربوبی و الهیات بالمعنی الاخص.<sup>۲</sup> بهمنیار نیز تحصیل را به سه کتاب منطق، علم مابعدالطبیعه و علم به احوال اعیان موجودات تقسیم کرده است، کتاب دوم تحصیل همان علم کلی یا امور عامه است. کتاب سوم تحصیل شامل دو مقاله است: مقاله اول در معرفت واجب الوجود (یا الهیات بالمعنی الاخص) و مقاله دوم در موجودات معلوله (یا همان طبیعیات تحصیل) می باشد. تقسیم فلسفه الهی به علم کلی و علم ربوبی تقسیمی منطقی است و به لحاظ روش شناسی قابل توجه است.

۱. به عنوان مثال فصل سوم از مقاله ششم الهیات شفا را در فصل ۳۵ و ۳۶ علم کلی بیان الحق ارائه کرده، در حالی که قسمتی از فصل پنجم مقاله را شفا و فصل دوم و قسمتی از فصل سوم مابعدالطبیعه تحصیل را همگی در فصل پنجم علم کلی بیان الحق گنجانیده است.

لو کری در آغاز الهیات بیان الحق در این باره می نویسد:

«این کتاب [علم الهی بیان الحق] به دو کتاب تقسیم می شود: یکی درباره علم مابعدالطبیعه و آن علم کلی است که متضمن تصحیح مبادی همه علوم است، دیگری مشتمل بر معانی کتاب الربوبیه به نام اثولوجیاست، گرچه در اصطلاح قوم مابعدالطبیعه به همه اجزاء علم الهی عام اطلاق می شود، ولی قطعاً این تقسیم و تفکیک سودمند و به جاست، زیرا به این وسیله علم ربوبی که درباره اثبات مبدء اول و صفات وی و نیز اثبات سایر مفارقات روحانی و ملکوتی است، متمایز می شود.»<sup>۱</sup>

جای آن داشت که مسائل رساله الحاقی علم الربوبیه، در خود علم ربوبی ادغام می شد، چرا که مسائل این رساله الحاقی به صفات باری، عقل، نفس و ولایت و نبوت اختصاص دارد و این مطالب، دقیقاً مسائل علم ربوبی را تشکیل می دهد. لو کری اگرچه در مقدمه الهیات بیان الحق وعده داده که به واسطه اهمال دیگر نویسندگان در مساله نفس در حال مفارقت از بدن بسط کلام بدهد، و مطالب جدیدی را ارائه کند که دیگران نگفته اند،<sup>۲</sup> اما در بحث از این مسائل عذر آورده می نویسد:

«اگرچه ما وعده داده بودیم در این باره به طور مشروح و مشبع سخن برانیم، ولیکن وقتی دیدیم همه مطالب در همین اندازه مختصر از بیان می گنجد، به آن اکتفا کردیم.»<sup>۳</sup>

لو کری به طور کامل تابع افکار فلسفی ابن سینا و استادش بهمنیار است. در بیان الحق هیچ نوع مخالفتی ولو به تعریض با ایشان دیده نمی شود. در مواردی که بهمنیار با ابن سینا اختلاف نظر داشته، لو کری از ذکر عقاید بهمنیار اجتناب کرده و نظر ابن سینا را آورده است. برای نمونه بهمنیار در مطالب ذیل بارای ابن سینا موافق نیست:

۱- به کار بردن برهان سلمی برای اثبات امتناع تناهی ابعاد<sup>۴</sup>

۱. لو کری، بیان الحق بضمان الصدق، العلم الالهی، تصحیح ابراهیم دیباجی، تهران ۱۳۷۳. ص ۴.

۲. همان، ص ۳ و ۴.

۳. همان، ص ۳۹۰، انتهای فصل ۲۲ علم ربوبی.

۴. بهمنیار، التحصیل، تصحیح مرتضی مطهری، تهران، ۱۳۴۹، ص ۳۴۸.



۲- اینکه جوهر جنس اعلاّی جواهر است، مورد تردید وی است<sup>۱</sup> هر چند در منطق التحصیل از روش قوم پیروی کرده است.

۳- در اینکه حرکت، تحریک و تحریک یکی است.<sup>۲</sup> در همه این موارد لوکری از نقل عبارات بهمنیار اجتناب کرده است. در مجموع در سراسر بیان الحق هیچ مطلب ابداعی و جدید به چشم نمی خورد.

لوکری نه یک فیلسوف صاحب مکتب از قبیل فارابی و ابن سیناست، نه یک فیلسوف صاحب ابتکار از قبیل میرداماد. اما او را می توان یک حکیم طراز سوم مشائی به حساب آورد: فیلسوفی مسلط بر مبانی فلسفی و باعث انتقال فلسفه به نسل بعدی.

در عصر لوکری که از یک سو با تعصب شدید سلاجقه علم ستیز مواجه است و از سوی دیگر با ملامت تند غزالی به فلاسفه روبروست، گرم نگاه داشتن حوزه فلسفی و ارائه کاری ماندنی همچون بیان الحق بضمن الصدق خدمت بزرگی است. بزرگی لوکری نیز با توجه به مقیاسهای عصر وی باید سنجیده شود. او یک فیلسوف واسطه است و نقش خود را به خوبی ایفا کرده است.

از دایرةالمعارف بیان الحق بضمن الصدق به ترتیب این قسمتها تصحیح شده است:

۱- مدخل منطق<sup>۳</sup> ۲- منطق (به استثنای مدخل)<sup>۴</sup> ۳- الهیات (متن کامل)<sup>۵</sup> ۴- علم الهی (شامل علم کلی و علم ربوبی بدون دورساله ملحق آن)<sup>۶</sup>. بنابراین تاکنون تنها طبیعیات بیان الحق تصحیح نشده است؛ اما آنچه از بیان الحق تاکنون منتشر نشده: ۱- منطق (به استثنای مدخل آن) ۲- طبیعیات ۳- دو بخش اخیر الهیات.

۱. همان، ۳۵۲.

۲. همان، ص ۴۲۴.

۳. تصحیح آقای دکتر ابراهیم دیباجی، تهران ۱۳۶۴، انتشارات امیرکبیر.

۴. تصحیح خانم اطهره متقی خضری، زیر نظر آقایان عبدالله نورانی و نجفقلی حبیبی؛ پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده الهیات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.

۵. تصحیح آقای مقصود محمدی، زیر نظر آقایان عبدالله نورانی، نجفقلی حبیبی و احمد بهشتی، پایان نامه دکتری دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.

۶. تصحیح آقای سید ابراهیم دیباجی، تهران ۱۳۷۳، موسسه بین المللی اندیشه و تمدن اسلامی مالزی (ایستاک).

از دو کتاب اول علم الهی بیان الحق (یعنی علم کلی و علم ربوبی) در ابتدا و انتهای سال ۱۳۷۳ دو تصحیح مختلف بر اساس نسخ واحد انجام شده است. اینکه جامعه فلسفی کشور این گونه از اقدامات علمی یکدیگر بی خبرند، باعث تاسف و تعجب است. شایسته است جهت جلوگیری از دوباره کاری و اتلاف وقت و سرمایه مصححین و محققین، کتب تحت تصحیح و تحقیق در یکی از نشریات اطلاع رسانی کشور معرفی شود.

### ۳. تصحیح الهیات بیان الحق در بوثة نقد

آنچه به دنبال می آید بررسی و نقد تصحیح و تحقیق و تقدیم جدیدترین بخش منتشر شده بیان الحق بضمن الصدق یعنی علم الهی است<sup>۱</sup>. مصحح محترم در احیای آثار لوکری پیش کسوت است و با تصحیح قسمت منطق قصیده اسرار الحکمة و شرح آن، مدخل منطق و علم الهی بیان الحق بضمن الصدق قدمهایی در زنده کردن میراث فلسفی اسلام و ایران برداشته است.

۱- لوکری در مقدمه بخش سوم بیان الحق، علم الهی را شامل دو کتاب و دو بخش الحاقی معرفی می کند:

کتاب اول: علم مابعدالطبیعه یعنی علم کلی متضمن تصحیح مبادی همه علوم.  
کتاب دوم: کتاب الربوبية یعنی اثولوجیا در اثبات مبدء اول و صفات او و اثبات سایر مفارقات روحانی ملکی.

ملحق اول: مسائل و نکاتی از علم مابعدالطبیعة که در حکم اسرار آن و شامل مباحثی در صفات باری تعالی و عقول و نفوس سماویه است.

ملحق دوم: فصول متنزعه از علم اخلاق در اکتساب فضائل نفسانیه و مدینه فاضله.<sup>۲</sup>  
با اینکه عنوان پشت جلد العلم الالهی انتخاب شده است، اما از دو بخش اخیر این کتاب اثری نیست. در مقدمه طولانی مصحح و نیز دو پیشگفتار دیگر کتاب هیچ اشاره ای به

۱. لوکری، بیان الحق بضمن الصدق، العلم الالهی، تصحیح دکتر سیدابراهیم دیباجی، تهران ۱۳۷۳.

۲. همان، ص ۴.

عدم تصحیح دو مبحث کتاب که حدود  $\frac{1}{3}$  الهیات بیان الحق را شامل می‌شود، نشده است و ذکری از اینکه بخش منتشر شده جلد اول العلم الالهی است و جلد دومی نیز در راه است به میان نیامده است. بخش منتشر نشده شامل نه باب در ۱۰۲ فصل است و شامل مباحثی در صفات باری، عقول، نفوس، ولایت و نبوت و اخلاق نظری است و بدون آن قطعاً مباحث الهیات بالمعنی الاخص بیان الحق ناقص ارائه شده است.

۲- با توجه به اینکه تمام متن بیان الحق به اعتراف لوکری متخذ از آثار ابن سینا، بهمینار و فارابی است استخراج مطالب آن از منابع اصلی از اهمیتی فوق العاده برخوردار است. مصحح محترم نیز همت خود را مصروف یافتن این منابع کرده‌اند، اکثر مطالب متخذ از الهیات شفا و تحصیل بهمینار را معین کرده‌اند اما این نواقص در تحقیق به چشم می‌خورد: يك: پنج فصل از کتاب بدون استخراج منبع رها شده است. مطالب فصول ۱۹، ۲۴، ۲۵، ۲۶ و ۲۷ علم ربوبی بیان الحق عیناً از کتاب المبدء و المعاد ابن سینا نقل شده است.<sup>۱</sup>

دو: مطلب فصل ۲۲ علم ربوبی بیان الحق به تصریح لوکری از کتاب انصاف ابن سینا نقل شده است. محقق محترم مآخذ این فصل را نیز نیافته است. این بخش از انصاف به زمان ما رسیده است و بخشی از تفسیر شیخ الرئیس بر کتاب اثولوجیا را تشکیل می‌دهد که در کتاب ارسطو عند العرب منتشر شده است.<sup>۲</sup>

سه: مطالب فصول ۱۱، ۱۸ و ۲۳ علم ربوبی بیان الحق، عیناً متخذ از المبدء و المعاد ابن سیناست. حال آنکه مطالب به الهیات شفا نسبت داده شده است.<sup>۳</sup>

۳- در تمام متن کتاب اقوالی که به ارسطو، اسکندر، ثامسطیوس و امثال ایشان، نسبت داده شده، مورد تحقیق قرار نگرفته و مصادر این اقوال مشخص نشده است. برای نمونه تحقیق فصل چهاردهم علم ربوبی بیان الحق قابل مراجعه است.

۱. ابن سینا، المبدء و المعاد، تصحیح عبدالله نورانی، تهران ۱۳۶۳، به ترتیب از صفحات ۸۵، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۰ صفحات فصول یاد شده از علم الهی بیان الحق به ترتیب: ۳۶۷، ۳۹۳، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۹.

۲. ارسطو، عند العرب، تصحیح عبدالرحمن بدوی، ص ۴۷-۴۹ بیروت ۱۹۴۷ م، نگاه کنید به ص ۳۸۸ علم الهی بیان الحق.

۳. ابن سینا، المبدء و المعاد، به ترتیب صفحات ۷۷، ۸۴، ۱۱۵ نگاه کنید به علم الهی بیان الحق به ترتیب صفحات ۳۴۳،

۳۶۴، ۳۹۱ آقای دکتر مقصود محمدی دریافتن مآخذ لوکری در مجموع موفقتر بوده است، هر چند استخراج منابع اول محتاج عنایتی دوباره است.

- ۴- کتاب فاقد فهارس فنی از قبیل اعلام، فهرست کتب و مانند آن است. مناسب بود به جای چند ملحق کم فائده کتاب، این گونه فهارس به کتاب افزوده می شد.
- ۵- در انتهای کتاب طی هفده صفحه مطالبی به عنوان حواشی آورده شده، اکثر این حواشی نشانی مطالب لو کری است از منابع قبل از وی که در ضمن همان صفحه نیز قابل درج بود. بخش دیگر از این حواشی توضیح کلمات شیخ است از سوی فلاسفه پس از لو کری که در ذیل همان صفحات نیز قابل درج بود، هر چند حذف بخش مهمی از این حواشی مشکلی ایجاد نمی کند.
- بسیاری از مصطلحات تفسیر شده در انتهای کتاب، محتاج توضیح نیستند. ذکر تفاسیر فلاسفه پس از لو کری از این اصطلاحات در انتهای بیان الحق لو کری مفید کدام فایده است؟
- ۶- مقدمه طولانی مصحح محترم را می توان به سه بخش تقسیم کرد:
- بخشی فاقد ارتباط وثیق با مطالب کتاب است از قبیل تراجم فلاسفه قبل از لو کری (و نه سیر تطور فلسفه تالو کری) یا از لو کری تا ملاصدرا (و چرا تا ملاصدرا؟!)
- بخشی تکرار مطالبی است که مصحح محترم برای بار سوم اقدام به نشرشان می نمایند.<sup>۱</sup> آیا ترجمه لو کری در ابتدای مدخل منطق بیان الحق کافی نبوده است؟ مناسب بود در ابتدای این جلد تنها به ذکر خلاصه ای از آنها و افزودن نکات تازه پژوهشی اکتفا می شد.
- در فصل چهارم مقدمه، تلخیص فصول کتاب آورده شده و ذکر منابع هر فصل با توجه به ذکر آنها در ذیل فصل مربوطه از زواید دیگر کتاب است.
- ۷- مناسب بود در مقدمه تحقیق الهیات بیان الحق به این نکات عنایت می شد:
- ۱- تحلیل آرای لو کری در مقایسه با ابن سینا، بهمنیار و شیخ. در اختلاف بین این بزرگان، لو کری جانب کدام را گرفته است؟
- ۲- تاثیر لو کری و کتابش در فلاسفه بعدی چگونه بوده است؟ کدام یک از حکیمان از وی و کتابش نقل مطلب کرده اند؟

۱. ر. ک. مقدمه آقای دکتر دیباجی بر قصیده اسرار الحکمة و شرح آن، بر منطق بیان الحق. و برای بار چهارم (!) در نامه شهیدی (جشن نامه استاد دکتر سیدجعفر شهیدی)، تهران ۱۳۷۴، طرح نو.

- ۳- در مسائلی که شیخ در کتب مختلفش، به چند گونه مطلب را تقریر کرده، لوکری کدام را برگزیده و چرا؟
- ۴- توصیف وضعیت اجتماعی-فرهنگی عصر لوکری.
- ۵- نقد گزینش‌های لوکری در متون مختلف فلسفی. آیا متنی که لوکری انتخاب کرده، برترین متن موجود ابن سینا، فارابی و بهمنیار است؟
- امیدواریم بارفع کاستی‌های یاد شده به زودی شاهد انتشار متن کامل دایرةالمعارف بیان الحق بضمن الصدق لوکری باشیم.